



"مقاله پژوهشی"

نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در اشتغال‌زایی زنان روستایی با استفاده از نظریه بنیانی (روستای چقاماران بی ابر استان کرمانشاه)

سارا حاجی علیانی^۱ و عبدالحمید پاپزن^۲

۱- دانشجوی دکترای ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه رازی، (نویسنده مسؤل: sarahajaliani@yahoo.com)

۲- دانشیار دانشگاه رازی، گروه ترویج و آموزش کشاورزی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸

صفحه: ۱۲۵ تا ۱۳۵

چکیده مبسوط

مقدمه و هدف: آموزش فنی و حرفه‌ای به عنوان یک جزء اجتناب‌ناپذیر از سرمایه‌های فکری در تقویت دانش، مهارت و نگرش نقش گسترده دارد، چراکه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و مهارت‌ها ضمن برآوردن نیاز منابع انسانی و ارتقای فراگیران آنها، در جهت اشتغال‌زایی و به کارگیری نیروهای ماهر گام بر می‌دارد. در این راستا هدف این مقاله ارزیابی نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در اشتغال‌زایی زنان روستایی می‌باشد. از این رو آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نقش مهمی در تشکیل سرمایه‌ی انسانی از طریق تربیت نیروهای ماهر مورد نیاز بازار کار ایفا می‌کنند.

مواد و روش‌ها: در این زمینه با بهره‌گیری از پارادایم کیفی و نظریه بنیانی در این پژوهش به مطالعه‌ی نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در روستای چقاماران بی ابر، در استان کرمانشاه پرداخته شد. گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه‌ی عمیق، نیمه ساختارمند، گروه متمرکز، مراجعات و تماس‌های مکرر صورت گرفت. نمونه‌گیری از نوع هدفمند و به روش گلوله برفی است.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای منجر به تغییر سطح دانش و آگاهی‌های شغلی آنها، تغییر در سطح شایستگی و مهارت حرفه‌ای، تغییر نگرش آنان به کار و شغل خانگی و جایگاه خود و خانواده و شغل شان در جامعه شد. همچنین، سطح بهره‌وری شغلی آنها را تحت تأثیر قرارداده و بهبود کسب و کار نقطه‌ی آغازی بر بهبود زندگی کاری زنان و در نتیجه، بهبود معیشت و کیفیت زندگی اقتصادی ناشی از سطح برخورداری آنان از منابع و فرصت‌های آنها خواهد بود.

نتیجه‌گیری: بنابراین نتیجه می‌شود که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در راستای تربیت نیروی انسانی ماهر مورد نیاز جوامع نقشی گسترده و انکارناپذیر دارد و موجبات رشد تحولات سریع در صحنه علوم و فن آوری در جامعه و بخصوص قشر زنان می‌شود.

واژه‌های کلیدی: آموزش، فنی و حرفه‌ای، اشتغال‌زایی، زنان روستایی، تئوری بنیانی

مقدمه

پیوند عمیق و قابل درک بین آموزش و اشتغال، یکی از موضوعات مهمی است که همواره مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران می‌باشد و با توجه به اینکه توسعه و بهبود اشتغال یکی از اهداف محوری نظام آموزش فنی و حرفه‌ای بوده است (۱۷). براین اساس اشتغال برای جوامع روستایی کانون بسیاری از ارتباطات انسانی و اجتماعی محسوب می‌شود و نقش آن در پویایی زندگی انسان انکارناپذیر است. لکن در دهه‌های اخیر ازدیاد نیروی جوان و افزایش بیکاری در روستا نسبت به سال‌های قبل از چالش‌های مهم در روستاها می‌باشد (۲). لذا با توجه به گسترش نقش زنان در روستا به عنوان یکی از ارکان توسعه‌ی کشور و نیمی از سرمایه انسانی هر کشور، آموزش این قشر برای همگامی با دنیای پویا متحول امروزی، مشارکت مؤثر در سرنوشت خود، خانواده و همیاری در تصمیم‌سازی مهم و ضروری می‌باشد. از این رو به نظر می‌رسد که آموزش و انتقال مهارت‌های لازم به زنان در جهتی حرکت می‌کند، که افراد از لحاظ اقتصادی متکی به خود شوند (۱۴). بنابراین، آموزش فنی و حرفه‌ای به‌عنوان یک جزء اجتناب‌ناپذیر از سرمایه‌های فکری، اگر به درستی هدایت شود، سبب تقویت دانش، مهارت و نگرش می‌شود و ضمن برآوردن نیاز منابع انسانی و ارتقای آنها، در جهت اشتغال‌زایی و به کارگیری نیروهای ماهر گام بر می‌دارد. این آموزش‌ها نه تنها عهده‌دار تربیت نیروی کار مورد نیاز بخش‌های مختلف اقتصاد می‌باشند، بلکه از طریق بسترسازی خوداشتغالی به حل مشکل بیکاری نیز کمک

می‌کند، تا همسویی بیشتری با نیازهای بازار کار داشته باشد و از این طریق، امکان بیشتری برای جذب آنها در فعالیت‌های اقتصادی اجتماعی فراهم شود (۳، ۱۲، ۷). بنابراین اصل افزایش سرمایه انسانی مستلزم به کارگیری برنامه‌های مهارتی است. لذا تجهیز زنان روستایی و حرکت به سوی توسعه‌ی پایدار زمانی میسر است؛ که زنان روستایی به حدکافی تعلیم دیده و مهارت‌های متنوع، مفید و کاربردی را فرا گیرند. در طی این آموزش‌ها تغییرات مفیدی در زندگی روستائیان ایجاد خواهد شد. نگاهی اجمالی به وضعیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای روستایی در کشور بیانگر این نکته است که با افزایش جمعیت، بالارفتن نرخ بیکاری و تمایل روستائیان برای مهاجرت به شهرها به منظور یافتن شغل، نیاز به آموزش نیروی انسانی ماهر در زمینه‌های فنی حرفه‌ای ضروری و فوری است (۶). چراکه امروزه، اشتغال و مهارت‌آموزی یکی از شاخص‌های نوسازی اقتصاد ملی و توسعه‌ی اقتصادی به شمار می‌رود. با اینکه ضرورت و الزام اقتصادی اشتغال و مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی همواره در تاریخ پیشرفت و توسعه‌ی جوامع مطرح بوده است؛ اما هنوز در این زمینه وضعیت مطلوبی برای زنان ایجاد نشده است که یکی از دلیل‌های آن توجه اندک به آموزش زنان و عدم بسترسازی مناسب برای ایجاد فرصت‌های اشتغال آنان است. براین اساس محرومیت، نداشتن مهارت کافی برای بدست آوردن درآمدی جداگانه، وابسته بودن آنها به منابع درآمدی همسرانشان و ناکافی بودن این منبع درآمدی برای تامین نیازهای خود و خانواده، بسنده کردن به

روش‌های تولیدی سنتی و جایگاه اجتماعی- اقتصادی پایین زنان در فرآیند توسعه ی پایدار برای کارآمد کردن فعالیت‌ها در نواحی روستایی، ایجاد اشتغال و درآمد برای این قشر و پویا کردن اقتصاد روستایی امری ضروری است (۱۸، ۱۹).

در این مقطع زمانی، بسنده کردن به فعالیت‌های کشاورزی (زراعت، باغداری و دامداری) در نواحی روستایی کافی نبوده و بهره‌وری اقتصادی را برای زنان روستا با مشکل روبه رو می‌سازد. لذا با توجه به نقش کلیدی زنان روستا به عنوان کانون تولید و ارزش آفرینی در هر کشور و به دنبال آن ظهور مسائل و مشکلات فراوان در زمینه‌ی اشتغال و کاربردی نبودن آموزش‌ها برای زنان روستایی باید در پی تلفیق فعالیت‌ها و افزایش اشتغال در محیط روستا و به خصوص برای قشر زنان بود تا با افزایش درآمد و انواع فعالیت‌ها در نواحی روستایی، ارتقاء سطوح کلی و کیفی زندگی در نواحی روستایی عملی شود، که خود در ماندگاری جمعیت روستایی در محیط روستا مؤثر است و افزون بر آن زمینه‌های لازم توسعه‌ی روستایی را فراهم می‌نماید (۱۳، ۱۵، ۲۱). از این ارائه‌ی آموزش‌های متناسب و کاربردی سبب ارتقای سطح آگاهی شغلی زنان با توجه به نقش مؤثر آنان در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی، بهبود روش‌های تولید و آرایه‌ی خدمات و محصولات و استفاده‌ی هرچه بیشتر و بهتر از امکانات مربوط به زنان می‌شود. در این میان، فعالیت زنان شرایطی را فراهم می‌کند تا ضمن کمک به اقتصاد خانواده، بخشی از اهداف توسعه‌ی اقتصادی کشور نیز تامین شود (۲۳، ۲۲).

بنابراین با توجه به اینکه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای فرصت‌هایی را برای حمایت از مهارت‌های شناختی زنان ایجاد می‌کند و زنان را در توسعه‌ی دانش، مهارت و نگرش برای حل مسائل پیچیده در محیط کار و با هدف ایجاد آمادگی برای انجام مشاغل، شروع کسب و کار از طریق فراهم آوردن مهارت‌های لازم و یا ارتقای سطح توانمندی‌های حرفه‌ای زنان ارائه می‌شود. لذا مسئله‌ی اساسی این است که آیا آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در اشتغال‌زایی زنان بخشی از نیازهای آموزشی و فنی و حرفه‌ای جامعه را برآورده می‌سازد؟ از بیان آنچه گذشت می‌توان دریافت که با توجه به وضعیت جمعیتی و اشتغال زنان در ایران، تدبیر اندیشی برای حل معضل بیکاری، ایجاد اشتغال و استفاده از توانمندی‌های این قشر از جامعه کاملاً احساس می‌شود و با توجه به نوع حرفه‌آموزی و کسب مهارت ارائه شده به زنان، سهم زیادی از این آموزش‌ها دارای قابلیت ایجاد اشتغال خانگی را برای آنان فراهم می‌کند. در این راستا روستای چقاماران بی ابر از توابع بخش بيلهوار شهرستان کرمانشاه از این اصل مستثنی نبوده و برای بهبود وضعیت اشتغال این منطقه، شناسایی ظرفیت‌ها و آموزش متناسب با شرایط اجتماعی، اقتصادی و محیطی زنان این روستا امری ضروری و مهم به نظر می‌رسد. بنابراین مطالعه‌ی حاضر به ارزیابی نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در اشتغال‌زایی زنان روستایی پرداخته است. تحقیقات زیادی در خصوص آموزش‌های فنی و حرفه‌ای صورت گرفته است. در این زمینه علوی نیا و خسروی پور (۴)، در پژوهشی تحت عنوان ارزیابی

تأثیر دوره‌های کوتاه مدت فنی و حرفه‌ای در توسعه‌ی اشتغال‌زایی زنان: مطالعه‌ی موردی مرکز فنی و حرفه‌ای نشان دادند که، آرایه‌ی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای کوتاه مدت به زنان، منجر به افزایش توانایی انجام کار، افزایش دانش، مهارت و قدرت درک افراد و انجام مطلوب‌تر کار در محدوده‌ی انجام وظایف شغلی شده است. از این رو پفاژ و همکاران (۱۹)، در پژوهشی با عنوان تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مشاغل خانگی بر بهبود کسب و کار زنان استان گلستان نشان دادند که حضور و شرکت در این دوره‌ها موجب افزایش مهارت و توانایی زنان شده است. همچنین، نوآوری و ابداع و علاقه به کار، ایجاد نگرش مثبت و افزایش کسب درآمد از دیگر نتایج این آموزش‌ها دانسته شده است. چنانچه صفایی موحد و محبت (۲۰)، در ارزیابی نظام فعلی آموزش فنی و حرفه‌ای در ایران بر مبنای معیارهای حرفه‌گرایی سنتی و جدید نظام فعلی آموزش فنی و حرفه‌ای در ایران به این نتیجه رسیدند که، بر مبنای معیارهای تمایز این دو سنت حرفه‌گرایی، نظام آموزش فنی و حرفه‌ای ایران را باید مبتنی بر مفروضات و اصول حرفه‌گرایی سنتی دانست. همچنین پایزن و همکاران (۱۸)، در پژوهشی با عنوان ارزشیابی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای زنان روستایی در زمینه‌ی صنایع دستی به این نتیجه رسیدند که تفاوتی معنادار بین مهارت پیشین و کنونی پاسخ‌گویان در زمینه‌ی صنایع دستی پس از شرکت در برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای به دست آمده است. آن دسته از خدمات کمیته‌ی امداد که در راستای تقویت عاملیت زنان است، از جمله وام‌های خوداشتغالی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌تواند منجر به توانمندسازی زنان سرپرست خانوار از نظر اقتصادی و روانی شود؛ به این معنی که آن دسته از زنان که صاحب مهارت بودند، به لحاظ اینکه با استفاده از قابلیت‌های خود قادر به کار کردن بودند، توانمندتر از سایر زنان بودند. گریفین و همکاران (۹)، در مطالعه‌ی خود با عنوان ارزیابی استاندارد آموزش فنی و حرفه‌ای و آموزشی مدارس به این نتیجه رسیدند؛ که سیستم نمره‌دهی و ارزیابی در آموزش فنی و حرفه‌ای بایستی مبتنی بر تئوری‌های یادگیری و ارزیابی باشد و ارزیابی‌ها بایستی مبتنی بر یک سری هنجارها و معیارها تفسیر شود. پژوهش دیگری توسط هارتل (۱۱)، تحت عنوان توسعه‌ی مهارت‌های فنی و حرفه‌ای برای کاهش فقر آیا به نفع زنان روستایی است در ایتالیا انجام گرفته است. نتایج این پژوهش نشان داد که توسعه نیافتن آموزش‌ها در مناطق روستایی و میزان برخورداری روستاییان به ویژه زنان از آموزش‌های مهارتی یکی از مشکلات اشتغال جوامع روستایی است و ارتباط مستقیم بین کاهش فقر و آموزش مهارت‌ها و افزایش رشد، بهره‌وری و نوآوری وجود دارد. واکر و همکاران (۲۳)، نیز در پژوهشی با عنوان آموزش مهارت‌های حرفه‌ای در زمینه مشاغل خانگی در استرالیا به عنوان فراهم نمودن فرصت شبکه‌سازی با زنان دیگر و تعادل کار به این نتیجه رسیدند؛ که، کشف خود اشتغالی از طریق مالکیت کسب و کارهای خانگی بر مبنای یک راه حل بالقوه برای تعارض نقش داخلی تجربه شده با تلاش زنان برای توازن نقش‌های کاری و

خانوادگی بود و خوداشتغالی به ویژه از طریق مالکیت کسب و کارهای خانگی، ممکن است به خوبی برخی از نیازمندی‌های زنان به توازن کار و خانواده را حل کند. اگر چه ممکن است یک راه‌حل عملی برای همه‌ی زنان نباشد؛ ولی برای آنهایی که به دنبال سودهای مالی و حرفه‌ای بیشتر هستند مفید است. در پژوهش انجام شده توسط گولا و همکاران (۸)، در مرکز بین‌المللی تحقیقات بر روی زنان با عنوان شناخت و اندازه‌گیری توانمندسازی اقتصادی زنان، تبیین شد که فعالیت اقتصادی زنان در جهت تحقق حقوق آنان و رسیدن به اهداف توسعه‌ای گسترده‌تر به رسمیت شناخته شده که می‌تواند نه تنها به نفع زنان، بلکه به طور گسترده‌تر به نفع جامعه و رسیدن به توانایی‌های بالقوه و پیشبرد حقوق آنان، کاهش فقر، کاهش تبعیض، توسعه‌ی مهارت‌ها و نیز افزایش قدرت اقتصادی خانواده باشد و همچنین رشد اقتصادی، کاهش فقر، بهداشت، آموزش و رفاه طیف گسترده‌ای از سازمان‌ها را در بر گرفته است. از آنجا که در اکثر مطالعات انجام شده‌ی مذکور بیشتر به روش پیمایشی و کمی انجام شده بودند و یا تعداد معدودی هم از مطالعات که به روش کیفی صورت گرفته بود به‌صورت توصیفی انجام شده بود ولی تاکنون تحقیقی در رابطه با نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از طریق مدل پارادیمی گراند تئوری انجام نگرفته است. بنابراین نتایج این پژوهش می‌تواند به غنی‌سازی اطلاعات و ادبیات در این زمینه کمک کند. امید است در مقاله‌ی مذکور بتوانیم ضعف‌های مطالعات پیشین را از بین ببریم.

مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر با توجه به ماهیت پژوهش کیفی، از نظر میزان کنترل متغیرها از نوع غیرآزمایشی و از لحاظ هدف جزء تحقیقات کاربردی و از نظر ماهیت اهداف توصیفی و تحلیلی است، که از روش نظریه داده بنیاد به‌عنوان روش پژوهش استفاده می‌شود. این روش کیفی، نوعی تحقیق در عرصه و مبتنی بر رویکرد استقرایی بوده و به صورتی سیستماتیک و در قالب مراحل منظم، پدیده‌ها را در موقعیت طبیعی آن‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد. قابلیت تعمیم مدنظر نیست، بلکه هدف درک پدیده و داده‌ها با ابعاد مختلف آن است. این روش ارزشمند است چون عمق پدیده را در گروه خاصی بررسی می‌کند و شناخت عمق پدیده اهمیت بیش از وسعت میدان بررسی دارد. برای اعتبار پذیر بودن پژوهش این روند تا رسیدن به اشباع تئوریک (کفایت نظری)^۱ ادامه یافت. چراکه داده‌های تکراری، نشان‌دهنده‌ی رسیدن به نتایج مورد انتظار بود. استفاده از روش‌های مختلف چون مصاحبه‌ی عمیق، نیمه ساختارمند، گروه متمرکز، مراجعات و تماس‌های مکرر و بدست آوردن نتایج یکسان اطمینان‌پذیری (اعتماد) پژوهش را می‌رساند. ثبت فرایند جمع‌آوری داده‌ها در طول زمان که قابلیت دنبال کردن را داشته و همچنین استفاده از روش‌های مختلف جمع‌آوری داده‌ها (مثلث سازی) نشان‌دهنده‌ی این است که داده‌ها مربوط به میدان تحقیق است و پژوهش تایید می‌شود. جامعه‌ی مورد مطالعه در این پژوهش زنان اهالی

روستای چقاماران بی‌ابر (حومه بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه) که در کلاس‌های آموزشی که از طرف سازمان فنی و حرفه‌ای برگزار شده بود، شرکت کردند. نمونه‌گیری در این مطالعه نمونه‌گیری مبتنی برهدف و از نوع گلوله برفی است. حجم نمونه به وسیله‌ی روش گلوله‌برفی تعیین شد. نمونه‌گیری گلوله برفی یک روش نمونه‌گیری است که واحدهای نمونه نه تنها اطلاعاتی در مورد خودشان بلکه در مورد واحدهای دیگر جامعه نیز آرایه می‌کنند. به این صورت که در این روش، در یک مصاحبه ابتدایی اغلب با یکی از زنان که در بیشتر کلاس‌های برگزار شده شرکت نموده بود را آغاز کرده و سپس از آن شخص خواستیم که دوستان یا افرادی که ممکن است برای مصاحبه مناسب باشد را به ما معرفی کند. در این مطالعه با ۲۰ نفر مصاحبه انجام شد، هرچند از مصاحبه دوازدهم به بعد داده‌ها کاملاً تکراری و به اشباع رسیده بود، اما برای اطمینان تا مصاحبه بیستم ادامه یافت. جهت گردآوری اطلاعات از تکنیک مصاحبه عمیق در قالب مصاحبه انفرادی و گروه‌های متمرکز هفت و هشت نفره و مشاهده‌ی مدارک و شواهد و اسناد اینترنتی استفاده شد. بدین ترتیب، که میزان مراجعت به جامعه‌ی مورد مطالعه سه بار ادامه یافت به صورتی که مدت زمان مصاحبه‌های انفرادی در هر بار مراجعه یک ساعت و جلسات گروهی یک و نیم ساعت به طول انجامید. تمامی مصاحبه یادداشت و ضبط شده و برای استخراج چندین بار مورد بررسی قرار گرفتند. پس از تفکیک متن مصاحبه‌ها در قالب واحدهای معنایی، به صورت مفاهیم انتزاعی و سپس مقولات تلخیص شده و ارتباط مفاهیم و مقولات با مقولات فرعی در راستای هدف تحقیق، در قالب سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد. البته ذکر این نکته حائز اهمیت است به دلیل اینکه از زمان برگزاری کلاس‌های آموزشی تقریباً دو سال می‌گذرد. لذا نمی‌توان از پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم این مطالعه به وضوح سخن گفت. بنابراین در این راستا احتمال پیش‌آمد پیامدها در نظر گرفته می‌شود. در این مطالعه فرایند دستیابی به مدل در سه گام انجام شد. در گام اول کدگذاری باز برای کشف مفاهیم، تحلیل و کدگذاری، کشف طبقه‌ها و توصیف طبقه‌ها با توجه به خصوصیات آنها به‌منظور روشن‌تر کردن طبقه‌ها انجام گرفت. در گام دوم کدهای اولیه در قالب طبقه‌های مشابه دسته‌بندی شد. در نهایت در گام سوم کدگذاری حوری برای برقراری رابطه بین طبقه‌های تولید شده بر اساس مدل پارادایم برای دستیابی به فرآیند مدل انجام شد.

نتایج و بحث

پس از پیاده‌سازی مطالب جمع‌آوری شده از طریق مصاحبه و گروه‌های متمرکز در مرحله کدگذاری باز با مرور خط به خط داده‌ها، جملات مرتبط با موضوع پژوهش در مرحله کدگذاری باز استخراج شد. این مرحله شامل دو قسمت است: جدول کدهای اولیه استخراجی از مصاحبه‌ها و جدول طبقه‌های استخراج شده از مفاهیم به همراه کدهای ثانویه آن‌ها. حاصل این مرحله شناسایی ۵۵ مفهوم کلیدی در زمینه‌ی

نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در اشتغال‌زایی روی جامعه‌ی مورد مطالعه بود. سپس باتوجه به ماهیت مفاهیم، دسته‌بندی مقدماتی انجام گرفت و به هریک از مفاهیم مرتبط یک کد داده شد، به طوری که گویه‌های مرتبط در یک خوشه قرار گرفتند. به بیان دیگر اعتبار درونی داده‌ها در این مرحله

مورد تایید قرار گرفت. یعنی در این مرحله کدگذاری اولیه صورت گرفت و به همه‌ی نکات کلیدی مصاحبه‌ها، کد داده شد. نمونه کدهای اولیه استخراج شده در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱- مفهوم‌سازی داده‌ها (کدگذاری باز)

ردیف	مفاهیم	کد
۱	دریافت گواهینامه مهارت و استفاده بهینه از منابع مالی و فیزیکی برای ایجاد شغل	A1
۲	امکان دسترسی به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به صورت رایگان در محیط روستایی خودشان	A2
۳	بالارفتن منزلت اجتماعی زنان روستایی نسبت به اشتغال زنان	A3
۴	تخصیص تسهیلات بانکی کافی به مهارت دیدگان فنی و حرفه‌ای رسمی در راستای خود اشتغالی و کارآفرینی	B1
۵	برقراری ارتباط بین آموزش‌های دریافتی و عملیاتی شدن این آموزش‌ها در جهت ایجاد شغل	B2
۶	اختصاص اعتبار و امکانات کافی به روستاهایی که دوره‌های آموزشی در آنجا برگزار شده است و افزایش اطلاع رسانی در روستا	B3
۷	برقراری ارتباط با سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای و دیگر سازمان‌های مربوطه برای کسب اشتغال	B4
۸	دسترسی زنان به امکانات آموزشی برگزار شده از طرف سازمان فنی و حرفه‌ای	C1
۹	افزایش خوشبینی به زنان نسبت به آینده شغلی	A4
۱۰	حضور مداوم زنان روستایی برای شرکت در دوره‌های آموزشی برگزار شده در زمان آینده	A5
۱۱	افزایش سعی و تلاش زنان روستا در یادگیری مهارت‌های جانبی	B5
۱۲	بالارفتن میزان مشارکت زنان و دختران روستا در کارهای گروهی با همدیگر	A6
۱۳	توانایی تقسیم کار و دسته بندی فعالیت‌ها در بین اعضای خانواده	A7
۱۴	بالا رفتن قدرت چانه‌زنی به دلیل افزایش ارتباطات	D1
۱۵	بهبود کیفیت زندگی	B6
۱۶	ایجاد ترغیب و تشویق در دختران و زنان روستایی به کارهای عملی و برقراری و بالارفتن جو دوستانه در کلاس در محیط آموزشی و به تبع در درون روستا	A8
۱۷	افزایش ذهنیت مثبت افراد نسبت به کارآفرینی و بالارفتن انعطاف‌پذیری	A9
۱۸	توانایی جلب مشارکت سایر اعضای خانواده و همکاری اعضای خانواده در ایجاد شغل	B7
۱۹	افزایش فرصت‌های کسب و کار زنان نسبت به مردان	D2

ادامه جدول ۱

ردیف	مفاهیم	کد
۲۰	پذیرش زنان به عنوان همکار در تیم‌های کاری از جانب مردان	D3
۲۱	تضعیف یا از بین رفتن قانون منع کار زن در صورت عدم رضایت شوهر	D4
۲۲	مهارت در استفاده بهینه از منابع مالی و فیزیکی و خود اتکایی	A10
۲۳	قابلیت روبرویی با وقایع پیش‌بینی نشده، افزایش روحیه برای انجام کار گروهی	A11
۲۴	از بین رفتن حس وابستگی زنان به شوهرانشان برای تامین درآمد	A12
۲۵	اجازه حضور دختران در کلاس‌های برگزار شده نسبت به گذشته	A13
۲۶	افزایش علاقه در زنان به علت نان آور بودنشان در خانواده	A14
۲۷	بالارفتن اعتماد به نفس در زنان ، مهارت کارگروهی، مقاومت و پشتکار، مسوولیت‌پذیری و افزایش مهارت در شناسایی و درک نیازها	A15
۲۸	افزایش قدرت تحریک پذیری بیشتر در زنان در هنگام مواجهه با شکست در پیدا کردن شغل	A16
۲۹	دسترسی به اعتبارات و خدمات حمایتی به علت برقراری ارتباط با سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف	B8
۳۰	افزایش توانایی زنان جهت راه‌اندازی یک فعالیت	B9
۳۱	تضعیف فرهنگ مرد سالاری در بین خانواده های روستایی	A17
۳۲	تغییر دیدگاه والدین با فعالیت‌های آموزشی دخترانشان در جهت خوداشتغالی و کسب درآمد برای خودشان	D5
۳۳	برقراری تعادل بین کار و زندگی شخصی	D6
۳۴	کسب مهارت‌های حرفه ای و بالارفتن تجربه زنان در برنامه‌ریزی مالی	C2
۳۵	افزایش دانش کافی در مهارت‌های مدیریتی، بالارفتن دانش راجع به قوانین و مقررات حقوق زنان، درک و آگاهی زنان از محیط کسب و کار و عوامل محیطی حاکم بر آن	C3
۳۶	تغییر دیدگاه خانواده‌های روستایی نسبت به اشتغال زنان در روستا	D7
۳۷	استقلال عمل دختران و زنان و از بین رفتن حس وابستگی زنان به شوهرانشان برای تامین درآمد	D8
۳۸	کسب مهارت‌های حرفه‌ای و بالارفتن تجربه زنان در برنامه‌ریزی مالی	D9

ادامه جدول ۱

ردیف	مفاهیم	کد
۳۹	از بین رفتن ناامنی اجتماعی برای حضور زنان در بازار و داشتن پشتوانه مالی و پس انداز کافی	D10
۴۰	پیدایش بازار محلی یا ظرفیت پایین بازار برای متنوع شدن فعالیت اقتصادی	B10
۴۱	افزایش روحیه و نشاط و شادابی، افزایش روحیه کار گروهی، روحیه ابتکار و نوآوری، قدرت برتری نسبت به دیگران و افزایش روحیه پویایی و رهبری، افزایش روحیه موفقیت طلبی و قدرت تعامل با دیگران.	A18
۴۲	توانایی جلب مشارکت سایر اعضای خانواده، آشنایی با نحوه محاسبه درآمد - هزینه	A19
۴۳	تلفیق فعالیت‌ها و افزایش اشتغال در جامعه‌ی روستایی	E1
۴۴	افزایش درآمد برای انواع فعالیت‌ها در نواحی روستایی، ارتقاء سطوح کلی و کیفی زندگی در نواحی روستایی	B11
۴۵	آموزش و بازآموزی افراد جویندگان کار و فاقد مهارت و شغل به بخش‌های تولیدی، تجاری و کشاورزی	E2
۴۶	استفاده بهینه از امکانات و ظرفیت‌های موجود در بخش‌های مختلف روستا	E3
۴۷	افزایش قدرت تعامل با دیگران، قدرت تدبیر در کار، افزایش اعتماد به نفس، افزایش انعطاف پذیری	A20
۴۸	شناخت روش و نحوه صحیح انجام کار، افزایش توزیع عدالت اجتماعی زنان و افزایش فرصت‌های کسب و کار زنان نسبت به مردان	E4
۴۹	استفاده از مهارت‌های کسب شده جهت افزایش درآمد	A21
۵۰	توانایی تقسیم کار و دسته‌بندی فعالیت‌ها، آشنایی با نحوه محاسبه سود و زیان	E5
۵۱	فرصت شبکه‌سازی با زنان دیگر و تعادل کار	E6
۵۲	افزایش اعتماد به نفس، توسعه مهارت‌ها، افزایش قدرت اقتصادی، کاهش فقر، بالا رفتن سطح بهداشت، آموزش و رفاه خانواده	E7
۵۳	شناسایی و اجرای حرفه‌های مشاغل خانگی با توجه به پتانسیل‌های اجتماعی و اقتصادی منطقه	E8
۵۴	بهره‌وری و توسعه اقتصادی جوامع روستایی و کسب توانمندی‌های تخصصی	E9
۵۵	شایستگی و خودباوری، افزایش در فروش، درآمد و کسب پول اضافی برای مخارج خانواده	A22

منبع: یافته‌های تحقیق

در مرحله‌ی بعد برای کدگذاری ثانویه و شکل‌دهی مقولات، کدهای اولیه به علت تعداد فراوان آنها به کدهای ثانویه تبدیل شدند (کدهای اولیه در قالب طبقه‌های مشابه قرار می‌گیرند). چند کد ثانویه تبدیل به یک کد مفهومی

جدول ۲- کدگذاری ثانویه و شکل‌دهی مقولات

مقولات (طبقه فرعی)	کدهای ثانویه
درآمد	استفاده از مهارت‌های کسب شده جهت افزایش درآمد افزایش درآمد برای انواع فعالیت‌ها در نواحی روستایی، ارتقاء سطوح کلی و کیفی زندگی در نواحی روستایی
دسترسی به تسهیلات مالی	کسب سرمایه و تأمین نقدینگی، دسترسی به اعتبارات و خدمات حمایتی به علت برقراری ارتباط با سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف تخصیص تسهیلات بانکی کافی به مهارت دیدگان فنی و حرفه‌ای رسمی در راستای خود اشتغالی و کارآفرینی
مشارکت و امنیت اجتماعی	حضور مداوم زنان روستایی برای شرکت در دوره‌های آموزشی برگزار شده در زمان آینده بالا رفتن میزان مشارکت زنان و دختران روستا در کارهای گروهی با همدیگر ایجاد ترغیب و تشویق در دختران و زنان روستایی به کارهای عملی و برقراری و بالا رفتن جو دوستانه در کلاس در محیط آموزشی و به تبع در درون روستا از بین رفتن ناامنی اجتماعی برای حضور زنان در بازار
برخوردا از ظرفیت‌ها و منابع روستا	شناسایی و اجرای حرف مشاغل خانگی با توجه به پتانسیل‌های اجتماعی و اقتصادی منطقه بهره وری و توسعه اقتصادی جوامع روستایی و کسب توانمندی‌های تخصصی
تغیر فرهنگ روستایی نسبت به اشتغال زنان	افزایش ذهنیت مثبت افراد نسبت به کارآفرینی و بالا رفتن انعطاف‌پذیری اجازه حضور دختران در کلاس‌های برگزار شده نسبت به گذشته تضعیف فرهنگ مردسالاری در بین خانواده‌های روستایی تغییر دیدگاه خانواده‌های روستایی نسبت به اشتغال زنان در روستا
آموزش‌های مرتبط و کاربردی	برقراری ارتباط بین آموزش‌های دریافتی و عملیاتی شدن این آموزش‌ها در جهت ایجاد شغل دسترسی زنان به امکانات آموزشی برگزار شده از طرف سازمان فنی و حرفه‌ای افزایش دانش کافی در مهارت‌های مدیریتی، بالا رفتن دانش راجع به قوانین و مقررات حقوق زنان، درک و آگاهی زنان از محیط کسب و کار و عوامل محیطی حاکم بر آن

منبع: یافته‌های تحقیق

پس از تعیین مقولات، مرحله ساخت طبقات اصلی نظریه

است که در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳- شکل‌دهی طبقات اصلی از مقولات

Table 3. Forming the main classes of categories

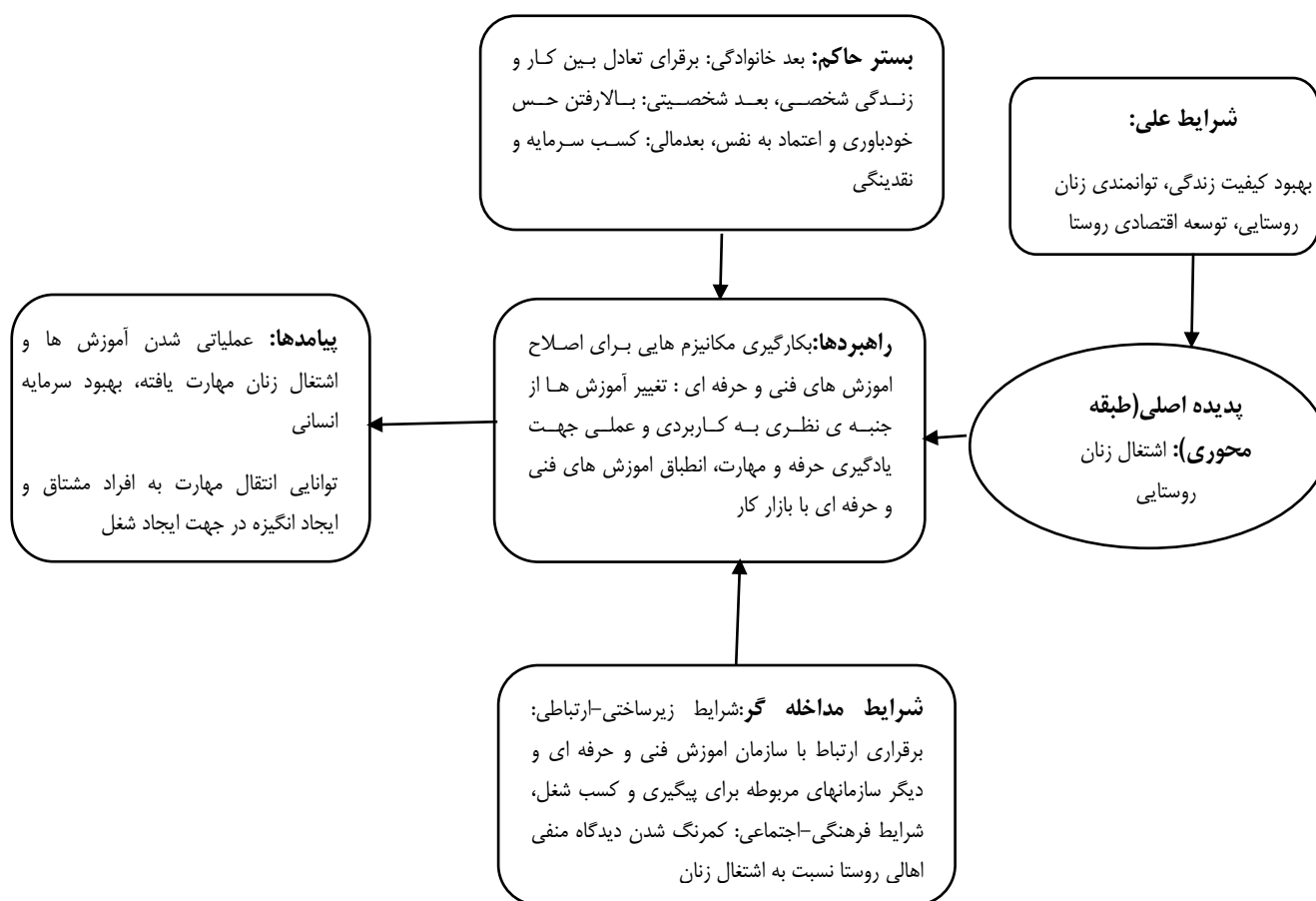
طبقات اصلی	مقولات (طبقه فرعی)
ابعاد مدیریتی	تامین امکانات و تسهیلات توسط سازمان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در جهت برگزاری کلاس‌های آموزشی نقش آموزش‌ها در ایجاد شغل
بعد خانوادگی	نقش حمایتی سازمان مربوطه و دیگر سازمان‌ها در جهت اشتغال زنان به کارگیری آموزش‌های لازم در کار برقراری تعادل بین کار و زندگی شخصی تغییر دیدگاه خانواده نسبت به اشتغال زنان بالا رفتن حس خودباوری و اعتماد به نفس
بعد شخصیتی	افزایش انگیزه در زنان کسب سرمایه و نقدینگی دسترسی به وام و اعتبارات
بعد مالی	تغییر آموزش‌ها از جنبه‌ی نظری به کاربردی و عملی جهت یادگیری حرفه و مهارت انطباق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با بازار کار تولید محصولات با نیاز بازار
استفاده از مکانیزم‌های سیستم آموزشی	همخوانی دانش مهارت فراگیران با نیازهای شغلی و پیاده سازی شغل مربوطه در راستای آموزش‌های بکارگرفته شده همسویی آموزش‌ها با ایجادشغل
شرایط زیر ساختی - ارتباطی	برقراری ارتباط با سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای و دیگر سازمان‌های مربوطه برای پیگیری و کسب شغل امکان بکارگیری از کلیه‌ی پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های روستا در جهت ایجادشغل کمرنگ شدن دیدگاه منفی اهالی روستا نسبت به اشتغال زنان از بین رفتن نگرش منفی نسبت به نامناسب بودن و عملیاتی نبودن آموزش‌ها در جهت خوداشتغالی
شرایط فرهنگی - اجتماعی	مشارکت، هم بستگی و انسجام اجتماعی زنان روستایی بالا رفتن سطح فرهنگ مهارت‌آموزی برای ایجاد شغل توانمند شدن زنان روستایی و بهبود سرمایه انسانی توانایی انتقال مهارت به افراد مشتاق و ایجاد انگیزه در جهت ایجاد شغل ایجاد محیط و تفکر رقابتی در بین اهالی روستا افزایش سرمایه مالی و بالا رفتن توان درآمدی خانوار استفاده از پتانسیل‌های موجود در جهت خوداشتغالی غیر از فعالیت‌های کشاورزی
عملیاتی شدن آموزش‌ها و اشتغال زنان مهارت یافته	

منبع: یافته‌های تحقیق

سپس در این مرحله کدگذاری محوری بر اساس شکل ۱ که مرحله دوم تجزیه و تحلیل در نظریه پردازی داده بنیاد است، انجام شده است هدف از این مرحله برقراری رابطه بین طبقه‌های تولید شده (در مرحله کدگذاری باز) است. این کار (عمل) بر اساس مدل پارادایم انجام می‌شود و به نظریه پرداز کمک می‌کند، تا فرآیند نظریه را به سهولت انجام شود. اساس فرآیند ارتباط‌دهی در کدگذاری محوری بر بسط و گسترش یکی از طبقه‌ها قرار گرفته است.

باتوجه به اینکه مقوله محوری پدیده‌ای است که جریان‌نش‌ها و واکنش‌ها به سوی آن رهنمون می‌شوند و اساس و محور فرایند است. لذا مقوله محوری در پژوهش مورد مطالعه اشتغال زنان روستایی بوده است. شرایط علی این پژوهش بهبود کیفیت زندگی، توانمندی زنان روستایی و حتی در محدوده‌ی گسترده‌تر توسعه اقتصادی روستا می‌باشد. این شرایط که مقوله‌هایی هستند که مقوله‌ی اصلی را تحت تاثیر

قرار می‌دهند و به وقوع یا گسترش پدیده مورد نظر می‌انجامد. از طرفی دیگر شرایط زیر ساختی - ارتباطی چون برقراری ارتباط با سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای و دیگر سازمان‌های مربوطه برای پیگیری و کسب شغل، امکان به‌کارگیری از کلیه‌ی پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های روستا در جهت ایجاد شغل و شرایط فرهنگی - اجتماعی همچون کمرنگ شدن دیدگاه منفی اهالی روستا نسبت به اشتغال زنان، از بین رفتن نگرش منفی نسبت به نامناسب بودن و عملیاتی نبودن آموزش‌ها در جهت خوداشتغالی، مشارکت، هم بستگی و انسجام اجتماعی زنان روستایی و بالا رفتن سطح فرهنگ مهارت‌آموزی برای ایجاد شغل، شرایط ساختاری هستند که به پدیده تعلق دارند و بر راهبردهای کنش و واکنش اثر می‌گذارند. از سویی دیگر همواره شرایط مداخله‌گری نیز حضور دارند، که راهبردها را سهولت می‌بخشند یا آن را محدود می‌سازند. این شرایط تحت عنوان شرایط مداخله جای می‌گیرند.



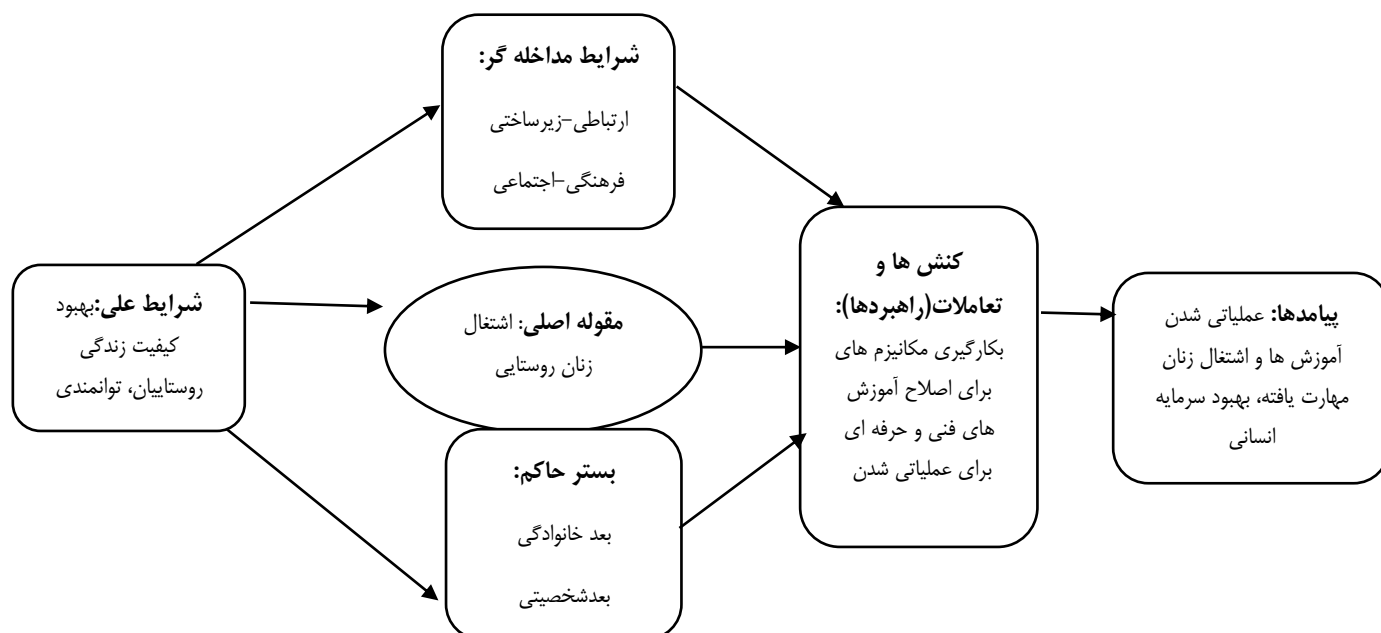
شکل ۱- کدگذاری محوری
Figure 1. Axial coding

استفاده از پتانسیل های موجود در جهت خوداشتغالی غیر از فعالیت های کشاورزی از پیامدهای اشتغال زنان روستایی محسوب می شود. از آن جایی که بستر یا زمینه بعد خانوادگی چون برقراری تعادل بین کار و زندگی شخصی، تغییر دیدگاه خانواده نسبت به اشتغال زنان و بعد شخصیتی: بالارفتن حس خودباوری و اعتماد به نفس، افزایش انگیزه در زنان که مجموعه مشخصه های ویژه ای است، که به پدیده موردنظر دلالت می کند و نشانگر مجموعه شرایط خاصی است که در آن راهبردهای کنش و واکنش صورت می پذیرد. بعد از اتمام این مرحله، سپس در شکل ۲ که مرحله کدگذاری انتخابی است. لذا برای تبدیل تحلیل ها به نظریه، طبقه ها باید به طور منظم به یکدیگر مربوط شوند. کدگذاری انتخابی (براساس نتایج دو مرحله قبلی کدگذاری) مرحله اصلی نظریه پردازی است. به این ترتیب که طبقه محوری را به شکل نظام مند به دیگر طبقه ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت ارایه کرده و طبقه هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند، اصلاح می کند. در این مرحله برحسب فهم از متن پدیده مورد مطالعه به صورت ترسیمی نظریه نهایی را نشان می دهد. بنابراین این مدل (شکل ۲) سازوکارهایی فراهم می کند، که از طریق آن سازمان فنی حرفه ای بتواند نیازهای آموزشی زنان روستایی را درست تشخیص داده تا آموزش های

بر این اساس راهبردها مبتنی بر کنش ها و واکنش هایی برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده مورد نظر هستند به همین دلیل استفاده از مکانیزم های سیستم آموزشی از جمله تغییر آموزش ها از جنبه ی نظری به کاربردی و عملی جهت یادگیری حرفه و مهارت، انطباق آموزش های فنی و حرفه ای با بازار کار، تولید محصولات با نیاز بازار، همخوانی دانش مهارت فراگیران با نیازهای شغلی و پیاده سازی شغل مربوطه در راستای آموزش های بکارگرفته شده، همسوئی آموزش ها با ایجاد شغل، به عنوان راهبردها نقش داشته است، چرا که راهبردها مقصود داشته و هدفمند است. بنابراین این عوامل سبب بروز پیامدها می شوند و نتایجی هستند که در اثر راهبردها پدیدار می شود. پیامدها نتایج و حاصل کنش ها و واکنش هایی هستند که نمی توان پیش بینی کرد و الزاماً همان هایی نیستند که افراد قصد آن را داشته اند. بلکه ممکن است حوادث و اتفاقاتی باشند، که شکل منفی به خود بگیرند و واقعی یا ضمنی باشند و درحال یا آینده به وقوع بپیوندند. لذا عملیاتی شدن آموزش ها و اشتغال زنان مهارت یافته در صورت توانمند شدن زنان روستایی و بهبود سرمایه انسانی، توانایی انتقال مهارت به افراد مشتاق و ایجاد انگیزه در جهت ایجاد شغل، ایجاد محیط و تفکر رقابتی در بین اهالی روستا، افزایش سرمایه مالی و بالا رفتن توان درآمدی خانوار و

افزایش درآمد خانوار برای خود و اعضای فراهم می‌کند. لذا برای بسط و گسترش اشتغال زنان روستای مدل کلی در شکل ۲ ارائه شده است.

مناسب و کاربردی را در جهت خوداشتغالی مهارت یافتگان و استفاده‌ی عملیاتی از این آموزش‌ها و دست یافتن به شغلی که مهارت آن را آموزش دیده‌اند و به‌عنوان منبعی برای



شکل ۲- مدل آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در راستای اشتغال زنان روستایی
Figure 2. Model of technical and vocational education for the employment of rural women

دوره‌های آموزشی برگزار شده از طرف سازمان فنی و حرفه‌ای موجب افزایش مهارت و توانایی زنان شده است و موجبات علاقه به کار، ایجاد نگرش مثبت و افزایش کسب درآمد را در زنان ایجاد می‌کند که با نتایج جانز و انگیش (۱۴)، که بیان می‌دارند، فرآیند آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در زمینه کارآفرینی، اشخاص را با توانایی‌شان جهت بازشناسی فرصت‌ها آشنا می‌کند. تا با اعتماد به نفس، علاقه، دانش و مهارت یک کسب و کار جدید را آغاز نماید، همسویی داشته و این نتایج را تایید می‌کند. نتایج پژوهش به دست آمده نشان داد، که شرکت در دوره‌های آموزشی فرصت شبکه‌سازی با زنان دیگر را فراهم نموده است. بدین صورت که از این طریق تعدادی از زنان شرکت کننده در دوره‌های آموزشی، گروه‌هایی را با یکدیگر تشکیل داده‌اند و از این طریق تولیدات خود را جمع نموده‌اند. براین اساس وقتی که سازمان‌ها (سازمان صنایع دستی و میراث فرهنگی) در جهت حمایت از تولیدات روستایی مانند حضور در نمایشگاه‌ها بتوانند تولیدات خود را در نمایشگاه‌ها به فروش برسانند. این عامل سبب بالا رفتن قدرت چانه‌زنی این زنان می‌شود. در این راستا یکی از افراد شرکت کننده در این دوره‌های آموزشی با ۲۵ سال سن بیان می‌کند، که شرکت در این کلاس‌ها سبب شد که با زنان دیگر روستا آشنا شوم که قبلاً با آنها فقط احوالپرسی داشتیم ولی الان دوستان

بنابراین باتوجه به نقشی که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در راستای تربیت نیروی انسانی ماهر مورد نیاز جوامع و تحولات سریع در صحنه علوم و فن آوری دارد، بر اساس مدل به دست آمده از یافته‌های پژوهش یکی از ضرورت و هدف اصلی این است، که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در جهت کاربردی کردن این آموزش‌ها و ارائه فنون و مهارت‌های مورد نیاز بازار کار و در نهایت زمینه سازی برای اشتغال فراگیران باشد. لذا مرتبط کردن آموزش با دنیای کار برای بهبود وضعیت اشتغال زنان و کاهش میزان بیکاری که در این میان مرتبط ساختن هرچه بیشتر آموزش با نیازهای اقتصادی ضروری است. چرا که عدم وجود ارتباط بین مباحث آموزشی و نیازهای اقتصادی و بازار کار باعث بروز مشکل عمده شده است. بر حسب مصاحبه‌های صورت گرفته یکی از زنان شرکت کننده در دوره آموزشی با ۳۴ سال سن بیان نمود، که شرکت در این کلاس‌ها سبب شد که با کسب مهارت بتوانم درآمدی برای خود بدست آورم و بدون دریافت پول از همسر در جهت تامین نیازهای خود تلاش کنم. از این رو شرکت در این دوره‌ها و مهارت آموزی برای من مفید می‌باشد و اگر در آینده هر دوره‌ی آموزشی در روستا برگزار شود قطعاً در این دوره‌ها شرکت خواهم کرد. بر این اساس یافته‌ها حاکی از این واقعیت است، که حضور و شرکت زنان روستایی در

محصولات تولیدی خود را به آن ها می‌دهم که در صورت داشتن مشتری برایم بفروشند. این زندگی را به ارمغان می‌آورد که این عوامل به واسطه بهبود کسب و کار فراهم خواهد شد. بنابراین ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای زمینه ساز این ارتقا و بهبود بوده است و بر اهمیت آن افزوده و از طرفی، بر لزوم بهبود کیفیت و کمیت این آموزش‌ها تأکید می‌کند. براین اساس پیشنهاد می‌شود که توجه سیاست‌گذاران آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به مقوله آموزش‌های مهارتی روستایی معطوف شود. همچنین پیشنهاد می‌شود سازمان فنی و حرفه‌ای با دیگر سازمان‌ها چون سازمان میراث فرهنگی، کمیته امداد، منابع طبیعی و دیگر سازمان‌های مربوطه مشارکت داشته تا بتوانند نقش حمایتی گسترده‌ای را برای مهارت یافتگان مناطق روستایی فراهم نماید. از طرفی با فراهم نمودن شرایطی برای بروز مهارت‌های بکارگیری شده در جهت ترغیب بخش خصوصی و صاحبان مشاغل برای استفاده از امکانات و توانمندی‌ها این بخش برای بخش خصوصی عمل نماید. همچنین فراهم نمودن بستر مناسب، شناسایی مشاغل خانگی و مهارت‌های مورد نیاز این بخش و ارائه آموزش‌های مورد نیاز روستاییان در محیط واقعی کار به عنوان کسب مهارت در محیط‌های کار و تولید شرط اصلی موفقیت برنامه‌های آموزشی نه تنها برای سازمان فنی و حرفه‌ای بلکه شامل دیگر سازمان‌ها نیز می‌باشد.

جدیدی پیدا کرده ام که برای تهیه نمودن مواد اولیه برای تولیدات خود با آن ها به شهر آمده و گاهی یافته با یافته‌های پاپ زن و همکاران (۱۸)، که آن دسته از زنان که صاحب مهارت بودند، به لحاظ اینکه با استفاده از قابلیت‌های خود قادر به کار کردن بودند، توانمندتر از سایر زنان بودند و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، کارهای هنری و کارآفرینی به توانمندی زنان سرپرست خانوار کمک می‌کند همخوانی دارد. از مهمترین نتایج بدست آمده این مطالعه رابطه مستقیم سرمایه انسانی با آموزش و مهارت آموزی به عنوان یکی از مسیرهای دستیابی به سرمایه انسانی و متعاقب آن نیل به توسعه پایدار کسب مهارت می‌باشد، با مطالعه‌ی هارتل (۱۰)، به دلیل وجود ارتباط مستقیم بین کاهش فقر و آموزش مهارت‌ها، افزایش رشد، بهره‌وری و نوآوری همسویی دارد و آن را تأیید می‌کند. برحسب نتایج بدست آمده، می‌توان بیان نمود فعالیت اقتصادی زنان نه تنها به نفع زنان، بلکه به طور گسترده‌تر به نفع جامعه و رسیدن به توانایی‌های بالقوه در جهت تحقق حقوق آنان، کاهش تبعیض، توسعه مهارت‌ها و نیز افزایش قدرت اقتصادی خانواده می‌باشد. از طرفی کاهش فقر، افزایش درآمد، کمک به اقتصاد خانواده، همراهی و همیاری با سایر اعضای خانواده، موجبات بهبود جایگاه زن در خانواده را فراهم نموده و در جامعه و محیط‌های شغلی، افزایش قدرت تصمیم‌گیری و استقلال عمل و در نهایت، افزایش انگیزه و امید به

منابع

1. Ahmadvand, M. and E. kanani. 2019. Identifying Feasibilitis and Effective Strategies for Developing Job Opportunity in Rural Areas of the Mashhad-e-Morghab district. *Journal of Entrepreneurial Strategies in Agriculture*, 5(10): 34-44 (In Persian).
2. Adibhajibagheri, M., S. Parvisi and M. Salsali. 2010. *Research Method Qulaitiy*, 2: 1-289 (In Persian).
3. Akbarnejad hanzai, M. 2013. Guarantee the effectiveness of technical and vocational training for sustainable employment, 4(5): 1-32 (In Persian).
4. Alavinia, M. and B. Ghisrvipour. 2003. Evaluating the Impact of Short-Term Technical and Vocational Courses on the Development of Women's Employment: A Case Study of Kermanshah Technical and Vocational Center Sisters, the First International Conference on Training and Employment of the Technical and Vocational Education Organization (In Persian).
5. Collet, K., C. Gale and S. Walker. 2009. Training for rural development: Agricultural and enterprise skills for women smallholders. City and Guilds Centre for Skills Development, Londres. Édition provisoire en ligne disponible à l'adresse: http://www.Skillsdevelopment.org/pdf/Lit_Review.pdf.
6. Demire, M. 2009. Lifelong learning and schools in the twenty-first century. *Procedia School and Behavioral Science*, 1709-1716.
7. Ferrier, F. and C.D. Smith. 2010. Persons with a Disability and Vocatinal Education and Training. *International Encyclopedia of Education (Third Edition)*, 294- 299.
8. Ghanpour, H. and A. Froghpour. 2013. Analysis of the comprehensive system of skills and technology in the country's technical and vocational education organization from the perspective of experts and thinkers. *Skills Quarterly*, 2(4): 1-11 (In Persian).
9. Golla, A. M., A. Malhotra, P. Nanda and R. Mehra. 2011. Understanding and measuring women's economic empowerment. Definition, Framework and Indicators. Washington, DC: International Center for Research on Women (ICRW).
10. Griffin, P., S. Gillis and L. Calvitto. 2007. Standards-referenced Assessment for Vocational Education and Training in Schools. *Australian Journal of Education*, 51(1): 19-38.

11. Hartl, M. 2009. Technical and vocational education and training (TVET) and skills development for poverty reduction—do rural women benefit. *Gender rural employment-Pathways out of Poverty*.
12. Khare, A. non- formal vocational training program in rural areas.
13. Faroughpour, A. 2011. Evaluation of the quantity and quality of non-formal technical and vocational training courses in the centers of Tehran province, from the perspective of managers in the 89-88 academic year, Master's thesis, Tehran. University of Humanities, Payame Noor University Research in Education Planning, Ferdowsi Publications, 1-125 (In Persian).
14. Jalilian, S., Y. Alizaden and M. Marashi. 2017. Investigating the Conformity of Technical and Vocational Education with the Educational Needs of the Industrial Sector in Khorramshahr, *Quarterly Journal of New Approach in Educational Management*, 1(8): 131-148 (In Persian).
15. Jones, C and J. English. 2004. A contemporary approach to entrepreneurship education. *Journal Education Training*, 46(8/9): 416-423.
16. Motielangerodi, H. 2004. Rural planning with emphasis on rural development in Iran, academic dissertations from 1383-1385. Village and Development Chapter Letter. Number 2. Mashhad Jihad University Publications, 2: 31-54 (In Persian).
17. Nasiri, H. 2011. Technical and Vocational Education in Rural Areas of Iran Skills Training for Sustainable Rural Development, Office of Rural Education, 4(8): 141-168 (In Persian).
18. Palmer, R. 2007. Skills for work?: from skills development to livelihoods in Ghana's rural informal economy. *International Journal of Educational development*, 27(4): 397- 420
19. Papzan, A.B., M. GHalehi and E. Soleymani. 2011. Evaluation of technical and vocational training of rural women in the field of handicrafts, *Sociology of women*, 2(3):21-39(In Persian).
20. Pofaj, A. 2013. The effect of technical and vocational training of home-based businesses on improving the business of women in Golestan province. *Skills Quarterly*, 5(14): 23-41 (In Persian).
21. Safaeimovahed, S. and H. Movahed. 2011. Evaluation of the current system of technical and vocational education in Iran based on traditional and modern professionalism criteria. *Quarterly Journal of Education*, 12(1): 37-66 (In Persian).
22. Savary, M., Z. Asadi and K. Hasanpour. 2020. Development of Sustainable Employment Development Strategies in Rural Areas of Delfan County. *Journal of Entrepreneurial Strategies in Agriculture*, 7(13): 42-53 (In Persian).
23. Talebianpour, M.G., G.H. Zamani and S. Azadi. 2003. Factors Affecting the Effectiveness of Technical and Vocational Training Courses (Carpet Weaving), *Village and Development Quarterly*, 2(7): 1-22 (In Persian).
24. Walker, E., C. Wang and J. Redmond. 2008. Women and work-life balance: is home-based business ownership the solution? *Equal Opportunities International*, 27(3): 258-275.
25. Yazdani, R., M. Khairandish, M. Mohammadi Khyareh and H. Amini. 2020. Study of Factors Affecting Rural Development, With A Focus on the Role of Agricultural Entrepreneurship (Case Study: North Khorasan Province). *Journal of Entrepreneurial Strategies in Agriculture*, 7(13): 63-77 (In Persian).

The Role of Vocational and Technical Training in the Employment of Rural Women using the Basic Theory (Village of Chacamaran Abfar, Kermanshah Province)

Sara Haji Aliani¹ and Abdul Hamid Papzan²

1- PhD Student in Agricultural Extension and Education, Razi University,
(Corresponding author: sarahajaliany@yahoo.com)

2- Associate Professor of Agricultural Extension and Education, Razi University
Received: 23 February, 2021 Accepted: 18 January, 2022

Extended Abstract

Introduction and Objective: Technical and vocational education as an inevitable component of intellectual capital has an extensive role in strengthening knowledge, skills and attitude, because technical and professional training and skills, while meeting the needs of human resources and promoting their learners, are taking steps to create employment and employ skilled personnel. In this regard, the purpose of this paper is to evaluate the role of vocational training in rural women's employment. Therefore, technical and vocational training plays an important role in the formation of human capital through training skilled workers needed by the labor market.

Material and Methods: In this regard, using qualitative paradigm and fundamental theory in this study, the role of technical and vocational training in cheghamaran village without cloud, in Kermanshah province was investigated. Data collection was conducted through in-depth, semi-structured interviews, focus groups, referrals and frequent calls. Sampling is a purposeful and snowball method.

Results: The results showed that technical and vocational training leads to changes in the level of knowledge and awareness of their jobs, changes in the level of competence and professional skills, changes in their attitude to work.

Conclusion: Therefore, it is concluded that technical and vocational training in order to train skilled manpower needed by societies has a wide and undeniable role and causes the growth of rapid changes in science and technology in society, especially women.

Keywords: Basic Theory, Education, Rural Women, Technical and Vocational